

گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا

جان جی. می یرشایمر / استیون ایم. والت

ترجمہ رضا کامشاد



سرشناسه	میرشایمر، جان، ۱۹۴۷ - Mearsheimer, John J.
عنوان و نام پدیدآور	گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا / جان جی. می‌رشایمر، استیون ام. والت؛ ترجمه رضا کامشاد.
مشخصات نشر	تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	دوازده، ۵۷۸ ص.
شابک	978-964-321-293-3
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: The Israel lobby and U.S. Foreign policy, c2007.
یادداشت	کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان ولای اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا توسط بازتاب‌نگار منتشر شده است.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	لایه اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا.
موضوع	کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل - تأثیر.
موضوع	صهیونیست - ایالات متحده - فعالیت‌های سیاسی.
موضوع	اعمال نفوذ سیاسی - ایالات متحده.
موضوع	ایالات متحده - روابط خارجی - اسرائیل.
موضوع	اسرائیل - روابط خارجی - ایالات متحده.
موضوع	ایالات متحده - روابط خارجی - ۲۰۰۱ - م.
شناسه افزوده	والت، استیون، ۱۹۵۶ - M. Walt, Stephen
شناسه افزوده	کامشاد، رضا، ۱۳۱۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۷ م ۹۳ ی ۵ / ۱۸۳ E
رده‌بندی دیویی	۳۲۷/۷۲.۵۶۹۴
شماره کتابشناسی ملی	۱۲۴۴۳۹۱



گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا

جان جی. می‌رشایمر / استیون ام. والت

ترجمه: رضا کامشاد

ویرایش: سیمین معزی

چاپ اول: ۱۳۸۸؛ تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه؛ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبی مقدم

طراح جلد: علی بخشی

حروف‌نگاری: شبستری؛ لیتوگرافی: ارغوان

چاپ: شمشاد؛ صحافی: مهرآیین

حق چاپ و نشر محفوظ است.

خیابان ملاصدرا، بزرگراه کردستان شمالی، پست یکم، پلاک ۱۱، تهران ۱۹۹۱۹.۳۳۵۷۴

تلفن: ۸۸۷۸۵۲۰۵ - ۸۸۸۷۲۴۹۹؛ فاکس (دورنگار): ۸۸۸۷۲۴۹۹

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.com

شابک: ۹۷۸۹۶۴۳۲۱۲۹۳۳ ISBN: 9789643212933

فهرست مطالب

فهرست علامت‌های اختصاری	هفت
گفتار ناشر	نه
مقدمه	۱
بخش ۱: ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، و گروه فشار	۲۵
فصل اول - حامی بزرگوار	۲۷
فصل دوم - اسرائیل: امتیازی استراتژیک یا وبال گردن؟	۶۱
فصل سوم - یک مورد زوال اخلاقی	۹۹
فصل چهارم - «گروه فشار اسرائیل» چیست؟	۱۴۱
فصل پنجم - هدایت روند سیاسی	۱۸۹
فصل ششم - سلطه بر گفتگوی مردم	۲۰۹
بخش ۲: گروه فشار اسرائیل در عمل	۲۳۹
مقدمه بخش ۲	۲۴۱
فصل هفتم - گروه فشار اسرائیل در مقابل فلسطینی‌ها	۲۴۷
فصل هشتم - عراق و رویای دگرگون کردن خاورمیانه	۲۷۷
فصل نهم - هدف گرفتن سوریه	۳۱۷
فصل دهم - ایران در کانون سنجش	۳۳۹
فصل یازدهم - گروه فشار اسرائیل و جنگ دوم لبنان	۳۷۱
نتیجه: چه می‌شود کرد؟	۴۰۷
یادداشت‌ها	۴۳۵
نمایه	۵۴۳

فهرست علامت‌های اختصاری

AIPAC	American Israel Public Affair Committee	کمیته آمریکائی امور همگانی اسرائیل
AARP	American Association of Retired Persons	انجمن بازنشستگان آمریکائی
ADL	Anti-Defamation League	انجمن ضد تهمت
AFSC	American Friends Service Committee	کمیته خدمت‌گزاری دوستان آمریکائی
APN	Americans for Peace Now	آمریکائی‌های طرفدار صلح هم‌اکنون
AEI	The American Enterprise Institute	موسسه آمریکائی انترپرایز
AIEF	The American Israel Education Foundation	بنیاد فرهنگی آمریکا اسرائیل
AJC	The American Jewish Committee	کمیته آمریکائی‌های یهودی
AMEU	Americans for Middle East Understanding	آمریکائی‌های همدل با خاورمیانه
API	American Petroleum Institute	انجمن آمریکائی نفت
AVI	America's Voices in Israel	صدای آمریکا در اسرائیل
CRP	The Center for Responsive Politics	مرکز سیاست‌های پاسخگو
CPI	The Center for Public Integrity	مرکز هواخواه صداقت عمومی
CAMERA	Committee for Accuracy in MiddleEast Reporting in America	کمیته دقت بر گزارشات خاورمیانه در آمریکا
CPMAJO	Conference of Presidents of Major American Jewish Organization	کنفرانس رؤسای سازمان‌های عمده آمریکائیان یهودی
CUI	Christians United for Israel	مسیحیان متحد برای اسرائیل
CFI	Christian Friends of Israel	دوستان اران مسیحی اسرائیل
CP	Conference of Presidents	کنفرانس رؤسا
CSP	Center for Security Policy	مرکز سیاست امنیتی
DSCA	Defense Security Cooperation Agency	آژانس همکاری امنیت دفاعی
FDD	Foundation for Defence of Democracies	بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها
GAO	General Accounting Office	اداره کل حسابداری
HI	Hudson Institute	انستیتو هودسن

HRW	Human Rights Watch	دیدهبان حقوق بشر
IDF	Israel Defence Forces	نیروی دفاع اسرائیل
IAEA	International Atomic Energy Agency	سازمان بین‌المللی انرژی اتمی
IPF	Israel Policy Forum	تربییون سیاست اسرائیل
INC	Iraqi National Congress	کنگره ملی عراق
ISG	Iraq Study Group	گروه بررسی عراق
IJV	Independent Jewish Voices	صدای یهودیان مستقل
IAJV	Independent Australia Jewish Voices	صدای یهودیان مستقل استرالیا
JSAP	Joint Security Assistance Planning Group	گروه مشترک برنامه‌ریزی دفاعی
JINSA	Jewish Institute for National Security Affairs	مؤسسه یهودیان برای امور امنیت ملی
JCPA	Jewish Council for Public Affairs	شورای یهودیان برای امور عمومی
JTA	Jewish Telegraphic Agency	آژانس یهودیان تلگرافی
JVP	Jewish Voice for Peace	صدای یهودیان برای صلح
MEF	Middle East Forum	تربییون خاورمیانه
MEI	Middle East Institute	مؤسسه خاورمیانه
NJCRAC	National Jewish Community Relations Advisory Council	شورای مشاوره روابط جامعه ملی یهودیان
NRA	National Rifle Association	انجمن ملی اسلحه
NPT	Non-Proliferation Treaty	پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی
NSC	National Security Council	شورای امنیت ملی
OSP	Office of Special Plans	اداره طرح‌های خاص
PLO	Palestinian Liberation Organization	سازمان آزادیبخش فلسطین
PAC	Public Affairs Community	کمیته روابط عمومی
PNAC	Project for the New American Century	پروژه قرن جدید آمریکا
USCFL	U. S. Committee for a Free Lebanon	کمیته آمریکا برای آزادی لبنان
WINEP	Washington Institute for Near East Policy	انستیتیوی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک
WMD	Weapons of Mass Destruction	تسلحات کشتار جمعی
WZO	World Zionist Organization	سازمان جهانی صهیونیست
ZOA	Zionist Organization of America	سازمان صهیونیستی آمریکا

گفتار ناشر

این کتاب، کتابی است پر مطلب و پر ملاحظه. مؤلف اول جان جی. می‌یر شایمر سیاست‌پژوه در دانشگاه شیکاگو، و همکار او در تألیف این اثر استفن ام. والت استاد امور بین‌المللی در مدرسه عالی سیاسی جان اف. کندی در دانشگاه هاروارد است. در سال ۲۰۰۶ م مقاله‌ای جنجال‌برانگیز و افشاگر نوشتند که در مجله «نقد کتاب لندن» به چاپ رساندند و جان کلامشان این بود که حمایت بی‌قید و شرط و بی‌حد و حصر آمریکا از اسرائیل، که در تشکیل و تشکّل سازمانهای حمایتگری چون «کمیته امور اجتماعی اسرائیل در آمریکا» جلوه‌گر شده، هم به منافع و مصالح آمریکا و هم اسرائیل صدمه شدید وارد می‌سازد.

در چنین زمینه‌ای است که مباحثات تند و تلخی که تا این حد سابقه نداشته با وارد کردن اتهام یهودستیزی به مؤلفان این کتاب از سوی درشوویتس Dershowitz - استاد حقوق دانشگاه هاروارد، و آبراهام اج فوکسمن A. H. Foxman - مدیر ملی سازمان مبارزه با بدنام‌سازی، که از زمره همان سازمانهای دست‌پرورده آمریکاست - جریان یافته است.

اما کتاب حاضر ('گروه فشار اسرائیل...') که به تعبیری روایت گسترش یافته‌تر و تفصیلی‌تر آن مقاله است، نتوانسته است آبها را از آسیاب بیندازد و آرامش برقرار سازد. مؤلفان از حضور در لاقول یک دانشگاه و چندین مرکز فرهنگی برای بحث پیرامون مسائل این کتاب، ممنوع شده‌اند و آماج گردیدای از انتقاد و سوء تفاهم قرار گرفته‌اند. اگر قصدشان این بوده که جنگی مطبوعاتی و تمام‌عیار برپا کنند، در نیت خود موفق شده‌اند.

آقایان می‌یر شایمر و والت، با متانت، سنجیدگی، و با اذعان به تندرستی‌های اسرائیل،

مسئله را برای طرح ریزی خط مشی سیاسی خاورمیانه‌ای که بیرحمانه واقع‌بینانه باشد، آماده می‌کنند. طبق این نگرش اسرائیل چیزی بیش از یک کشور در جغرافیای خاورمیانه نخواهد بود. در این صورت در موارد و مناسباتی که منافع اسرائیل با منافع آمریکا همسو باشد می‌تواند بر روی حمایت آمریکا حساب کند و الا فلا. مؤلفان می‌گویند آنچه آمریکایی‌ها نمی‌توانند دریابند این واقعیت است که در اغلب اوقات منافع دو کشور با هم تعارض دارند.

مؤلفان علت این ناتوانی را این‌گونه به سادگی توضیح می‌دهند: گروه فشار و حامی طلبی اسرائیل واقعیت را خوب درک کرده است که ماجرا از این قرار است: همکاری نزدیک با اعضای کنگره آمریکا، سازمانهای سیاست‌ساز ظاهراً مردمی، و نشریات عقیده‌سنجی، گروه‌های نیرومند و ثروتمندی چون کمیته آمریکایی امور عامه اسرائیل، کمیته یهودی آمریکایی، همراه و همسو بوده - دوازده کمیته سیاسی دیگر به دوام و رواج این افسانه دامن می‌زنند که اسرائیل کشوری است تک‌افتاده، و در محاصره دشمنان، و نیازمند حمایت همه‌جانبه و بیدریغ مالی و نظامی آمریکا.

این گروه فشار حمایت‌طلب در خفه و خاموش کردن هرگونه بحث و ساز و نوای مخالف، پیش از آنکه درگیرد، مهارت شگرفی دارد. حال چه مسئله درباره سقط جنین باشد، چه درباره کنترل تسلیحات، چه هر اندیشه و اقدام مشکوک، چه حقوق همجنس‌بازان، چه محیط زیست، چه خط و مشی تجارت، چه بهداشت، چه مهاجرت، یارفاه، همواره آغاز یا مهار آن در دست کاخ سفیدنشینان است. هر جا که پای منافع اسرائیل در میان باشد مستقدان توانای صاحب‌نظر، خاموشی پیشه می‌کنند، و اصولاً به ندرت بحثی در می‌گیرد.

مؤلفان می‌گویند هیچ پنهانکاری و پرده‌پوشی در این کار وجود ندارد. این گروه بالصراحه یک گروه ذینفع نیرومند و متشکل از یهودیان و غیریهودیان است که هدف اعلام‌شده آن این است تا کاروبار اسرائیل را در آمریکا به هر قیمت پیش ببرد و به شیوه‌هایی که اعضای آن معتقدند به سود اسرائیل هست و خواهد بود بر سیاست خارجی آمریکا اثر بگذارند.

مسئله این است که اسرائیل در پایان جنگ سرد جهانی، و پس‌راندگی اخلاقی‌اش در مناسباتش با فلسطینیان، و اخیراً لبنانی‌ها، تبدیل به گروه فشار راهبردی گردیده است. حمایت بی‌محابای آمریکا از نزدیکترین متحدش در خاورمیانه، هم به حیثیت و اعتبار او در جهان عرب صدمه زده، هم مانعی در جست‌وجوی راه‌حل برای مسئله فلسطین ایجاد کرده، و هم در نهایت موقعیت بین‌المللی آمریکا را ضعیف‌تر و خطرتر ساخته است.

مؤلفان با خونسردی علمی خاصی ادعای کوتاه و مؤثر علیه سیاست خارجی و داخلی اسرائیل، و نیز علیه دولت اسرائیل صادر کرده‌اند. اینان دولتی مجازی، و هنوز قبولی عام جهانی نیافته را که در عین حال حمله را بهترین دفاع برای موجودیت خود می‌داند توصیف می‌کنند که از توبره و آخور آمریکا قوت و غذا می‌گیرد و همواره چوب لای چرخ صلح می‌گذارد، و با احساس مصونیت و فرار از مکافات، همواره همسایگانش را می‌هراساند و آرمانهای ملی فلسطینیان را در هم می‌کوبد، و هر وقت که فرصت باشد دست عسل آلود حامی بزرگش را گاز می‌گیرد.

گروه فشار اسرائیل همواره پنهانکار است، و با آمریکا سر و سرّ دارد، و در راه خطیر جلب حمایت از رئیس‌جمهوری نارئیس جمهور بعدی سیاست 'از این ستون به آن ستون فرج' را غنیمت می‌شمارد. مؤلفان بر آنند که بدون اعمال فشار شدید گروه فشار اسرائیل، آمریکا خود را گرفتار جنگ در عراق نمی‌کرد.

اغلب خوانندگان آمریکایی در برابر این گونه شخصیت‌پردازی مؤلفان از اسرائیل، موضع می‌گیرند و حساسیت نشان می‌دهند. ولی نویسندگان این واکنش را امری طبیعی، حاصل تصویرپردازی سراپا دروغین و جعلی ساخته و پرداخته گروه (های) فشار اسرائیل در طی سالها از اسرائیل و تاریخش می‌دانند. در نتیجه آمریکایی‌ها کاملاً تفسیر و تعبیر غلط از مسئله فلسطین دارند و نمی‌توانند سیاستی فعال پیش بگیرند، که یک قدم از اسرائیل فاصله بگیرد و یک قدم از سر انصاف به جانب فلسطینیان نزدیک شود.

مؤلفان در چندین و چند مناسبت گفته‌اند که اعتقاد دارند که اسرائیل اخلاقاً و قانوناً حق بقا دارد، ولی تحت تأثیر کلی کتاب، احساس می‌شود که این حق به نخی بند است. علی‌الاصول آنان از ایالات متحده می‌خواهند که اینهمه جانبدارانه به اسرائیل نزدیک نشود و کمابیش به خط مشی آمریکا در سالهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ نزدیک شود. در آن موقعیت و ایام آمریکا می‌کوشید موضع میانه‌ای بین اسرائیل و همسایگان عربش داشته باشد. جای شگفتی است که مؤلفان از منافع افسانه‌ای که تصور می‌شد اتخاذ این مشی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به بار آورده سخنی نمی‌گویند.

از سوی دیگر غریب و بعید می‌نماید که کتابی این چنین خونسرد، چنین شور و التهابی برپا کند. اغلب بحث و برهانهای مؤلفان، آشنا و بر همگان معلوم است. و اینکه بگویند اغلب سازمانهای بزرگ یهودی، بیش از انتظار یهودیان آمریکا، علاقه به سختگیری در فی‌المثل یافتن چاره مرضی‌الطرفین در مسئله فلسطین، جنگ عراق، یا قرارگاههای نوار غربی دارند،

به ندرت اعتراض مهمی برمی‌انگیزد. نویسندگان این کتاب هنگامی که از اتخاذ نقش سازنده‌تر و خلاقانه‌تر از سوی آمریکا در مذاکرات صلح، سخن می‌گویند، موضع خودشان هم عمیقاً صلح‌آمیز و قابل دفاع است.

در مجموع، لحن خصمانه در برابر اسرائیل، و این تأثیر اغماض‌ناپذیر که واقع‌گرایی سرسختانه سیاسی هم تکیه بر نوعی خیالبافی یا آرمانگرایی خاص خود دارد، از اختصاصات منحصر به فرد این کتاب است. اسرائیل به سادگی، برخلاف امثال انگلیس و آمریکا، صرفاً و به سادگی کشوری در میان بسیاری کشورها نیست. آمریکاییان پیوندهای مستحکم تاریخی، دینی، فرهنگی، و البته عاطفی با یهودیان دارند، که مؤلفان آنها را قبول دارند، ولی یک‌دستی می‌گیرند. همچنین، به نظر می‌رسد چنین احساس می‌کنند اگر اسرائیل و گروه فشارش کوتاه بیایند، بیابان تبدیل به گلستان خواهد شد. کنار آمدن صلح‌آمیز با سوریه، مستلزم سختگیری به حزب‌الله و حماس است. دیر یا زود دولت فلسطینی قدرت خواهد گرفت، و القاعده یکی از دستاویزها و بهانه‌ی اصلی‌اش را از دست خواهد داد. مؤلفان این اندیشه را عجلتاً از ذهن خود دور داشته‌اند که تروریسم القاعده‌وار، چه بسا دستاویزهای دیگری برای بقای موضوعیت خویش دست و پا کند. از سوی دیگر ایران هم حضور دارد، ولی مؤلفان بر آنند که هیچ‌کس از ایرانی که سلاحهای اتمی دارد، خطر و ضرری نخواهد دید. چرا که سلاح اتمی، ارزش عملی / نظامی ندارد، بلکه ارزش سیاسی و مذاکراتی دارد. این سخن و موضع جمهوری اسلامی هم واقع‌گرایانه است که یا اسرائیل هم باید خلع سلاح اتمی شود، یا ایران هم از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار باشد.

مؤلفان می‌نویسند امیدواریم ایالات متحده با اسرائیل نه به عنوان تافته جدا بافته، بلکه همچون کشوری عادی رفتار کند، و حداکثر اگر هم با آن کشور همراهی‌هایی می‌کند، همانند و در حد همراهی‌هایی باشد که با دیگر کشورها دارد. ولی این آرزو عملی نیست و آمریکا چنین مشی و سیاستی در پیش نخواهد گرفت. واقعیت چنین می‌گوید، اما واقع‌گرایی همان امید و آرمان ماست. این کتاب درست در ایامی منتشر می‌گردد، که اسرائیل شصتمین سالگرد تأسیس و فلسطینیان شصتمین سال مقاومت و حماسه‌آفرینی‌های خود را گرامی می‌دارند. روشنی و روشنگریهای این کتاب در میان همه آثار که به صورت تألیف یا ترجمه به فارسی داریم، ممتاز است.

* در نگارش این گفتار از نقد نیویورک تایمز درباره همین کتاب استفاده کرده‌ایم.

مقدمه

آمریکا در آستانه ورود به سال انتخاب رئیس جمهور است. گرچه نتیجه آن در این برهه البته غیر قابل پیش بینی است ولی تخمین بعضی ویژگی های این رقابت آسان است. نامزدها درباره مسائل داخلی بهداشت، سقط جنین، ازدواج همجنس بازان، مالیات ها، آموزش و پرورش، مهاجرت - طبیعتاً اختلاف نظر خواهند داشت و بر سر تعداد زیادی از موضوعات سیاست خارجی قطعاً مناظرات پر شورى انجام خواهد شد. ایالات متحده باید چه روشی را در عراق دنبال کند؟ بهترین واکنش در مورد بحران دارفور، تخصیص روسیه نسبت به ناتو و قدرت فزاینده چین چیست؟ ایالات متحده درباره گرمایش کره زمین، مبارزه با تروریسم و بهبود بخشیدن به وجهه بین المللی اش باید کدام مسیر را انتخاب کند؟ در این موارد و بسیاری مسایل دیگر، ما مطمئناً می توانیم در انتظار اختلاف نظرهای هیجان انگیزی بین نامزدهای مختلف باشیم.

با این حال همه مادر مورد یک موضوع اتفاق نظر داریم و مطمئن هستیم که نامزدها در آن مورد خاص حرف شان یکی خواهد بود. در سال ۲۰۰۸، همچون سالهای پیشین انتخابات، نامزدهای عمده برای احراز بالاترین مقام روی زمین دست به هر کاری می زنند تا تعهد شخصی و عمیق خود را نسبت به یک کشور - اسرائیل - و همین طور عزم شان را برای حفظ حمایت استوار آمریکا از کشور یهودیان ابراز دارند. هر یک از نامزدها تأکید خواهد کرد که انبوه تهدیدات پیش روی اسرائیل را کاملاً درک می کند و به روشنی مقصودش را بیان خواهد داشت که، در صورت انتخاب شدن، ایالات متحده نسبت به دفاع از منافع اسرائیل تحت

هر شرایطی قاطعانه متعهد خواهد ماند. هیچ یک از نامزدها احتمالاً از اسرائیل به طور چشمگیری انتقاد نخواهد کرد یا در مورد لزوم اتخاذ سیاست منصفانه تر آمریکا در منطقه، پیشنهادی ارائه نخواهد داد، کسی که این عمل از او سر بزند احتمالاً از ادامه راه باز می ماند.

این اظهار نظر را به زحمت می توان یک پیشگویی دانست چون مشتاقان کسب مقام رئیس جمهوری قبلاً در اوایل سال ۲۰۰۷ حمایت شان را از اسرائیل اعلام داشته اند. این روند در ماه ژانویه آغاز شد یعنی هنگامی که چهار نفر از نامزدان احتمالی در کنفرانس سالانه هرزلیا^۱ اسرائیل راجع به مسائل امنیتی سخنرانی کردند. به طوری که جاشوا میتنیک^۲ در جوئیش ویک^۳ گزارش داد، آنها «ظاهراً با هم رقابت می کردند تا نشان دهند کدام یک در دفاع از کشور یهود سرسخت تر است». جان ادواردز^۴، کاندیدای معاون رئیس جمهوری حزب دموکرات در سال ۲۰۰۴، از طریق ارتباط ماهواره ای به شنوندگان اسرائیلی خود گفت «آینده شما آینده ماست» و پیوند بین آمریکا و اسرائیل «هرگز گسسته نمی شود». سناتور جان مک کین^۵ (جمهوریخواه از ایالت آریزونا) اعلام داشت که «وقتی پای دفاع از اسرائیل در میان باشد ما قادر به مصالحه نیستیم»، در حالی که نیوت جینگ ریچ^۶ رئیس سابق مجلس (جمهوریخواه از ایالت جورجیا) به حضار گفت «اسرائیل پس از پیروزی سال ۱۹۶۷ با بزرگ ترین تهدید نسبت به بقای آن روبروست»^{۱۱}

اندکی پس از این اظهارات، در اوایل ماه فوریه، سناتور هیلاری کلینتون^۷ (دموکرات از نیویورک) در برابر شورای محلی کمیته قدر مند روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (ایپک)^۸ در نیویورک سخنرانی کرد. او گفت در این «الحظه سخت دشوار و خطرناک برای اسرائیل... نقش حیاتی آن است که ما دوش به دوش دوست و متحدان و ارزش های خودمان بایستیم»^{۱۲}

یکی از رقبای او از حزب دموکرات، سناتور باراک اوباما^۹ (از ایالت ایلینویز) ماه بعد در نشست ایپک در شیکاگو صحبت کرد. اوباما که در گذشته برای وضع مصیبت بار فلسطینی ها تا حدودی اظهار همدردی کرده و در یکی از جلسه های مبارزه انتخاباتی در ماه مارس سال ۲۰۰۷ اشاره مختصری هم به «مصائب» فلسطینی ها کرده بود صریحاً به ستایش اسرائیل

1. Herzlia

2. Joshua Mitnick

3. Jewish week

4. John Edwards

5. John McCain

6. Newt Gingrich

7. Hillary Clinton

8. AIPAC

9. Barack Obama

پرداخت و آشکارا روشن ساخت که او برای تغییر روابط آمریکا و اسرائیل هیچ اقدامی به عمل نخواهد آورد.^{۱۳۱} سایر نامزدهای رئیس‌جمهوری، از جمله سناتور سام براون‌بک^۱ (جمهوریخواه از ایالت کانزاس) و بیل ریچاردسون^۲ فرماندار نیومکزیکو احساسات اسرائیلی دوستی خود را با همین شدت یا بیشتر نشان داده‌اند.^{۱۴۱*}

توجیه این رفتار چیست؟ چرا بین افراد امیدوار به کسب مقام رئیس‌جمهوری اختلاف در مورد اسرائیل اینقدر ناچیز است، در حالی که در مورد سایر مسائل گریبانگیر ایالات متحده اختلافات عمیقی بین آنها وجود دارد و ضمناً به وضوح می‌دانند که سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا هم بدجوری به هم ریخته است؟ چرا اسرائیل از نامزدهای رئیس‌جمهوری بلیت مجانی دریافت می‌کند، در حالی که اتباع اسرائیل اغلب نسبت به سیاست‌های جاری آن سخت انتقاد دارند و نیز در حالی که همین نامزدهای رئیس‌جمهوری برای انتقاد از اقدامات سایر کشورها تمایل شدید نشان می‌دهند؟ چرا تنها اسرائیل، و نه هیچ کشوری دیگر در جهان، از این تبعیض یکپارچه سیاستمداران پیش‌تاز آمریکا برخوردار است؟ ممکن است برخی افراد بگویند به این خاطر که اسرائیل برای ایالات متحده یک امتیاز استراتژیک حیاتی است. در واقع، گفته شده است که اسرائیل در «جنگ با ترور» یک شریک ضروری است. افرادی دیگر پاسخ خواهند داد حمایت تمام‌عیار از اسرائیل امری اخلاقی است، زیرا آن تنها کشور منطقه است که «با ما ارزش‌های مشترک دارد». اما هیچ‌کدام از این استدالات با تفکر منطقی جور در نمی‌آید. روابط نزدیک و اشنگتن با بیت‌المقدس شکست تروریست‌ها را، که اکنون ایالات متحده را هدف گرفته‌اند، دشوارتر ساخته است نه آسان‌تر، و به‌طور هم‌زمان موقعیت آمریکا را در بین متحدین مهم‌اش در سرتاسر جهان تضعیف می‌کند. اینکه که جنگ سرد پایان یافته اسرائیل برای ایالات متحده به صورت تعهدی استراتژیک درآمده است، با این وجود، هیچ سیاستمدار بلندپروازی در انتظار عمومی چنین نخواهد گفت، یا حتی احتمالش را مطرح نخواهد کرد.

برای روابط بی‌چون و چرا و انعطاف‌ناپذیر آمریکا با اسرائیل منطق اخلاقی الزام‌آوری

1. Sam Brownback

2. Bill Richardson

* قابل توجه اینکه با انجام انتخابات سال ۲۰۰۸ ریاست جمهوری آمریکا پیش‌بینی نویسندگان در این مقدمه عیناً به‌وقوع پیوسته است. ناشر (۱۳۸۸-۲۰۰۹)

نیز وجود ندارد. مسئله حیات اسرائیل امر اخلاقی مستحکمی است و دلایل خوبی برای ایالات متحده وجود دارد که اگر موجودیت اسرائیل در معرض خطر قرار گیرد متعهد به یاری به آن باشد. ولی با توجه به رفتار خشن اسرائیل با فلسطینی‌ها در اراضی اشغال شده ملاحظات اخلاقی شاید ایجاب می‌کند که ایالات متحده سیاست بی طرفانه‌تری را نسبت به طرفین دنبال کند، و حتی شاید به طرف فلسطینی‌ها بیشتر متمایل شود. با این وجود احتمال شنیدن این نقطه نظر از هر آنکه بخواهد رئیس جمهور شود غیر متحمل است. این امر در مورد کسی که بخواهد مقامی در کنگره اشغال کند نیز صادق است.

دلیل واقعی آنکه چرا سیاستمداران آمریکایی تا این حد ملاحظه می‌کنند، قدرت سیاسی گروه فشار اسرائیل است. این گروه فشار یک اتحاد پراکنده از افراد و سازمان‌هاست که فعالانه تلاش می‌کنند تا سیاست خارجی ایالات متحده را در جهت منافع اسرائیل سوق دهند. به طوری که به تفصیل توضیح خواهیم داد این یک جنبش یگانه و هماهنگ با رهبری متمرکز نیست و به طور مسلم توطئه یا تبانی به منظور «کنترل» سیاست خارجی آمریکا هم نمی‌باشد. این صرفاً یک گروه ذینفع قدرتمند، متشکل از یهودیان و غیریهودیان، است که هدف اذعان شده آنها اعمال فشار در داخل ایالات متحده و نفوذ در سیاست خارجی آمریکا برای حفظ موجودیت اسرائیل می‌باشد. این اعمال نفوذ به طریقی خواهد بود که به اعتقاد اعضا آن منافع کشور یهودیان را تأمین خواهد کرد. دسته‌های مختلفی که گروه فشار اسرائیل را تشکیل می‌دهند در مورد همه مسائل توافق ندارند، گرچه همگی برقراری روابط ویژه را بین ایالات متحده و اسرائیل تبلیغ می‌کنند، همانند تلاش‌های سایر گروه‌های فشار قومی و گروه‌های ذینفع اقدامات اعضای مختلف گروه فشار اسرائیل صورت‌هایی قانونی از مشارکت سیاسی دموکراتیک هستند، و عمدتاً بر سنت دیرینه آمریکا در مورد فعالیت گروه‌های ذینفع استوارند.

چون گروه فشار اسرائیل بتدریج یکی از قدرتمندترین گروه‌های ذینفع در ایالات متحده شده است، نامزدهای مقامات بالا به خواسته‌های آنها توجه شدیدی مبذول می‌دارند. افراد و دسته‌هایی که در ایالات متحده گروه فشار اسرائیل را تشکیل می‌دهند عمیقاً نگران اسرائیل هستند، و مایل نیستند که سیاستمداران از آنها انتقاد کنند، حتی هنگامی که احتمالاً انتقاد موجه یا حتی در جهت منافع خود اسرائیل باشد. این گروه‌ها، در عوض، می‌خواهند رهبران

آمریکا با اسرائیل همچون ایالت پنجاه و یکم خود رفتار کنند. دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به طور یکسان از نفوذ گروه فشار اسرائیل هراس دارند. آنها همه می‌دانند هر سیاستمداری که با سیاست‌های آن گروه چالش کند امکان رئیس‌جمهور شدنش ناچیز خواهد بود.

گروه فشار اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

اهمیت قدرت سیاسی گروه فشار اسرائیل به تأثیر آن در گفته‌های نامزدهای ریاست جمهوری نیست، بلکه به نفوذ چشمگیر آن در سیاست خارجی آمریکا، بویژه در خاورمیانه، مربوط می‌شود. اقدامات آمریکا در این منطقه بی‌ثبات برای مردم سراسر جهان، بویژه مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، پیامدهای عظیمی دارد. فقط در نظر بگیرید جنگ نامشروع حکومت بوش در عراق را که چطور بر مردم رنج‌کشیده آن کشور در هم شکسته تأثیر گذاشته است: دهها هزار مرده، صدها هزار آواره از خانه و کاشانه خود، و وقوع جنگ شرارت‌بار فرقه‌ای بدون چشم‌اندازی برای پایان آن. این جنگ برای ایالات متحده نیز یک فاجعه استراتژیک بوده است و متحدین آمریکا را هم در داخل و هم در خارج از منطقه وحشت‌زده کرده و در معرض خطر قرار داده است. نمایشی روشن‌تر و اسف‌بارتر از تأثیری، خوب یا بد، که آمریکا هنگام عنان برداشتن از قدرتش می‌تواند داشته باشد، قابل تصور نبود.

ایالات متحده از روزهای آغازین این جمهوری، در خاورمیانه درگیر، و فعالیت عمده آن در برنامه‌های فرهنگی و امور میسیونری متمرکز بوده است. جاذبه ملهم از تورات و انجیل درباره سرزمین مقدس و نقش یهودیت در تاریخ آن برخی را به فکر حمایت از اندیشه بازگرداندن مردم یهودی به موطن‌شان در آنجا انداخت، نظریه‌ای که از طرف تعدادی از رهبران روحانی و، به طور کلی، چندتایی از سیاستمداران آمریکا مورد استقبال قرار گرفت. اما اشتباه است اگر این تاریخچه مختصر و قول و قرار خصوصی برای بخش اعظم نواحی را ریشه اصلی نقش آمریکا در منطقه از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، و بویژه روابط استثنائی امروزش با اسرائیل، بدانیم.^[۵] در فاصله زمانی شکست دزدان دریایی بربری^۱ در دو

1. Barbary

سال قبل و جنگ جهانی دوم، ایالات متحده نقش امنیتی چشمگیری در هیچ کجای منطقه نداشت و رهبران آمریکا هم اشتیاقی به آن نشان نمی دادند.^{۱۶} وودرو ویلسون^۱ از بیانیه سال ۱۹۱۷ بالفور^۲ (که حمایت بریتانیا برای ایجاد موطن یهودی را در فلسطین بیان می کرد) پشتیبانی کرد، لیکن در عمل هیچ اقدامی برای پیشبرد این هدف انجام نداد. در واقع، مهم ترین مشارکت آمریکا در این دوره - هیتی حقیقت یاب بود که در سال ۱۹۱۹ از طرف کنفرانس صلح پاریس تحت سرپرستی هنری چرچیل کینگ^۳ و چارلز کرین^۴ به منطقه اعزام شد و به این نتیجه رسید که مردم محلی با تهاجم صهیونیست ها مخالفند، و برخلاف تأسیس موطن مستقل یهودی توصیه کرد. لیکن همانطور که مارگرت مک میلان^۵ مورخ می نویسد، «هیچ کس کوچک ترین توجهی به آن نکرد.» احتمال قیومیت آمریکا بر بخش هایی از خاور میانه برای مدت کوتاهی مورد توجه قرار گرفت ولی هرگز دنبال نشد، و بریتانیا و فرانسه سرانجام بخش های باارزش امپراتوری عثمانی را بین خود قسمت کردند.^{۱۷}

ایالات متحده در موضوع امنیت خاور میانه از زمان جنگ جهانی دوم به بعد نقش مهم و دایم التزایدی داشته است، ابتدا به انگیزه نفت، سپس از راه مبارزه با کمونیسم و، رفته رفته، از طریق رشد روابط با اسرائیل. نخستین مداخله با اهمیت آمریکا در سیاست های امنیتی این منطقه مشارکتی نوپا بود با عربستان سعودی در اواسط دهه ۱۹۴۰ (تصمیمی دوجانبه برای کنترل جاه طلبی های بریتانیا در منطقه)، و نخستین تعهداتش براساس پیمان های رسمی، گنجانندن ترکیه در ناتو در سال ۱۹۵۲ و پیمان ضدروسی بغداد در سال ۱۹۵۴ را شامل می شد.^{۱۸} رهبران آمریکا، پس از حمایت از پایه گذاری اسرائیل در سال ۱۹۴۸، کوشیدند موقعیت متعادلی بین اسرائیل و عرب ها پیدا کنند و از ترس به خطر انداختن منافع استراتژیک مهم تر، با احتیاط از قبول هر نوع تعهد نسبت به کشور یهودیان پرهیز کردند. این وضعیت در طی دهه های بعد در واکنش به حوادثی نظیر جنگ شش روزه، فروش تسلیحات روسی به کشورهای عربی، و نفوذ فزاینده گروه های طرفدار اسرائیل در آمریکا بتدریج تغییر کرد. با توجه به این دگرگونی فوق العاده در نقش آمریکا در منطقه - و بویژه حمایت

1. Woodrow Wilson

2. Balfour

3. Henry Churchill King

4. Charles Crane

5. Margaret Macmillan

بی‌حد و حصر فعلی آمریکا از اسرائیل - کوشش برای تبیین سیاست فعلی ایالات متحده از طریق ارتباط دادن آن به اعتقادات مذهبی عهد قدیم یا روش‌های اساساً متفاوت، درگیری‌های گذشته آمریکا، مفهومی ندارد. در مورد روابط جاری بین ایالات متحده و اسرائیل هیچ چیز اجتناب‌ناپذیر و مقدر وجود ندارد.

از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ به بعد، یک ویژگی برجسته سیاست خاور میانه‌ای آمریکا - و به تحقیق کانون توجه آن - روابطش با اسرائیل بوده است. در چهار دهه گذشته، ایالات متحده در واقع، اسرائیل را از نظر حمایت مادی و سیاسی در سطحی تأمین می‌کند که حمایت‌هایش را نسبت به سایر کشورها تحت الشعاع قرار می‌دهد. کمک‌ها بدون قید و شرط است؛ سطح حمایت، فارغ از آنچه اسرائیل عمل می‌کند، در اغلب موارد تغییر نمی‌یابد. بویژه، ایالات متحده پیوسته از اسرائیل در مقابل فلسطینی‌ها جانبداری می‌کند و بندرت به کشور یهودیان برای توقف ساخت مهاجر نشین‌ها و جاده‌ها در کرانه غربی فشاری می‌آورد. گرچه بیل کلینتون و جرج بوش آشکارا از تشکیل یک کشور خودکفای فلسطینی جانبداری کردند ولی هیچ‌کدام تمایل نداشتند از قدرت آمریکا برای تحقق پیامد آن استفاده کنند.

ایالات متحده در خاور میانه گسترده‌تر نیز آن‌گونه سیاست‌هایی را اتخاذ کرده است که اولویت دادن به اسرائیل را نشان می‌دهد. برای مثال، از اوایل دهه ۱۹۹۰ سیاست آمریکا نسبت به ایران به شدت تحت نفوذ تعایلات دولت‌های متوالی اسرائیل بوده است. تهران در سالهای اخیر چند بار برای بهبود روابط با واشنگتن و حل و فصل اختلافات معوقه سعی کرده است ولی اسرائیل و حامیان آمریکانش توانسته‌اند راه هر نوع تشنج‌زدایی بین ایران و ایالات متحده را سد کنند، و دو کشور را دور از هم نگه دارند. مثال دیگر رفتار حکومت بوش در جریان جنگ اسرائیل علیه لبنان در سال ۲۰۰۶ می‌باشد. تقریباً همه کشورها از بمباران اسرائیل به شدت انتقاد کردند - حمله‌ای که بیش از هزار لبنانی، اغلب غیرنظامی، را به هلاکت رساند - ولی ایالات متحده چنین نکرد. در عوض، به اسرائیل در ادامه دادن جنگ کمک کرد و اعضای برجسته هر دو حزب علناً از رفتار اسرائیل دفاع کردند. این حمایت صریح، حکومت طرفدار آمریکا را در بیروت متزلزل کرد، حزب‌الله را تقویت نمود، و ایران، سوریه و حزب‌الله را به هم نزدیک‌تر کرد؛ نتایجی که برای واشنگتن یا بیت‌المقدس خوشایند نبودند.

بسیاری از سیاست‌هایی که از جانب اسرائیل تعقیب شدند اینک امنیت ملی ایالات متحده را به خطر می‌اندازند. ترکیب حمایت بی‌دریغ آمریکا از اسرائیل و اشغال ممتد سرزمین فلسطین از طرف اسرائیل محرک احساسات ضدآمریکایی در سراسر جهان عرب و اسلام شده است. در نتیجه تهدید تروریسم بین‌الملل افزایش یافته و پرداختن به مسایل دیگر را برای واشنگتن مشکل‌تر ساخته است. زیرا ایالات متحده اینک در گستره منطقه چنان بی‌وجه شده است که رهبران عرب که در شرایط دیگر ممکن بود شریک راه آمریکا باشند آشکارا از کمک به ما اکراه دارند، وضع ناگواری که تلاش‌های ایالات متحده را برای حل و فصل انبوه گرفتاری‌های منطقه‌ای فلج می‌کند.

این وضعیت، که در تاریخ آمریکا نظیر ندارد، عمدتاً به اعمال گروه فشار اسرائیل مربوط می‌شود. در حالی که سایر گروه‌های ذینفع خاص - از جمله گروه‌های فشار قومی معرف آمریکایی‌های کوبایی، آمریکایی‌های ایرلندی، آمریکایی‌های ارمنی و آمریکایی‌های بومی - توانسته‌اند سیاست خارجی ایالات متحده را به سوی منافع خود متمایل کنند، هیچ گروه فشار قومی این سیاست را تا این اندازه از منافع ملی آمریکا دور نکرده است. گروه فشار اسرائیل موفق شد بسیاری از آمریکایی‌ها را مجاب کند که منافع آمریکا و اسرائیل در اصل یکسان هستند. که در حقیقت، یکسان نیستند.

گرچه این کتاب در وهله نخست بر روی نفوذ گروه فشار اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا و تأثیرات منفی آن بر منافع ایالات متحده تمرکز می‌کند، تأثیر این گروه فشار بر خود اسرائیل نیز ناخواسته به همان اندازه زیان‌بخش است. احداث شهرک‌های مهاجرنشین را در نظر بگیرید، که حتی نویسنده‌ای دلسوز اسرائیل چون لئون ویسل تیر^۱ اخیراً آن را یک «اشتباه اخلاقی و استراتژیک در ابعاد تاریخی» نامید.^{۱۹۱} اگر ایالات متحده از خیلی قبل قدرتش را به کار برده بود تا اسرائیل را وادار کند ساخت شهرک‌های مهاجرنشین در کرانه غربی و غزه را متوقف کند و به جای آن به اسرائیل یاری می‌داد تا یک کشور فلسطینی قائم به ذات ایجاد شود، وضع امروز اسرائیل بهتر از این بود. با این وجود، واشنگتن چنین نکرد. دلیل عمده آن هزینه بالای سیاسی برای رئیس‌جمهوری است که دست به این کار بزند. همان‌طور که در بالا

1. Wieseltier

اشاره شد اگر ایالات متحده به اسرائیل گفته بود که استراتژی نظامیش برای جنگ سال ۲۰۰۶ لبنان محکوم به شکست است و به طور غیرارادی موجبات پشتیبانی و تسهیل آن را فراهم ساخته بود اسرائیل در وضع بسیار بهتری قرار داشت. گروه فشار اسرائیل انتقاد از رفتار اسرائیل و پافشاری در مورد تغییر برخی از سیاست‌های غیرسازنده آن را برای ایالات متحده نه تنها دشوار بلکه محال ساخته است، گروه فشار اسرائیل حتی احتمال دارد چشم‌انداز بقای درازمدت کشور یهودیان را به خطر اندازد.

روال کار گروه فشار اسرائیل

بعید است در مورد نفوذ گروه فشار اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا، لااقل در رسانه‌های ارتباط جمعی ایالات متحده، صحبت شود و اتهام ضدیهودی یا برچسب نفرت از یهود به دنبال آن نیاید. انتقاد از سیاست‌های اسرائیل و اظهار تردید نسبت به حمایت ایالات متحده از اسرائیل، در نشست و برخاستی مؤدبانه، درست به همین ترتیب دشوار است. حمایت سخاوتمندانه و بدون قید و شرط آمریکا بندرت مورد سؤال قرار می‌گیرد، زیرا سازمان‌های گروه فشار اسرائیل با اِعمال قدرت اطمینان حاصل می‌کنند که گفتمان عمومی، استدالات استراتژیک و اخلاقی‌اش را درباره همان روابط خاص منعکس سازد.

کتاب فلسطین: صلح نه تبعیض نژادی، نوشته جیمی کارتر رئیس‌جمهور پیشین کاملاً این پدیده را روشن می‌سازد. کتاب کارتر درخواستی شخصی است برای تجدید نظر در التزام آمریکا به روند صلح بر اساس عمدتاً تجربه شخصی قابل توجه‌اش در این مسایل و در طی سه دهه گذشته. مردم منطقی ممکن است مشاهدات او را زیر سؤال ببرند یا با نتیجه‌گیری‌های او مخالفت کنند، ولی هدف غایی او برقراری صلح بین این دو ملت است، و کارتر به روشنی از حق اسرائیل برای حیات و امنیت دفاع می‌کند، با وجود این، چون او اظهار نظر می‌کند که سیاست‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی مشابه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی است و علناً می‌گوید که گروه‌های طرفدار اسرائیل کار رهبران آمریکا در فشار به اسرائیل برای ایجاد صلح را سخت می‌کنند، تعدادی از همین گروه‌ها به مبارزه رذیلانه کثیفی بر علیه او دست زدند. کارتر نه تنها به ضد نژاد سامی و «متنفر از یهود» متهم شد، برخی از منتقدان حتی به او نسبت طرفداری از نازی‌ها را دادند.^{۱۰۱} از آنجایی که گروه فشار اسرائیل

در صدد است روابط موجود را دست نخورده حفظ کند، و چون دلایل استراتژیک و اخلاقی آن بسیار ضعیف است، چاره‌ای جز تلاش برای خفه کردن و کنار زدن بحث‌های جدی را ندارد.

با وجود این، علی‌رغم تلاش‌های گروه فشار اسرائیل، تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌ها - تقریباً ۴۰ درصد - تشخیص می‌دهند که حمایت آمریکا از اسرائیل یکی از دلایل اصلی احساسات ضد آمریکایی در سراسر جهان است. این رقم بین نخبگان به مراتب بالاتر است.^[۱۱] افزون بر این، تعداد تعجب‌آوری از آمریکایی‌ها درک می‌کنند که گروه فشار اسرائیل نفوذی فوق‌العاده ولی نه همیشه مثبت، در سیاست خارجی آمریکا دارد. در یک نظر سنجی ملی در ماه اکتبر سال ۲۰۰۶، ۳۹ درصد جواب‌دهندگان اظهار عقیده کردند که «تأثیر گروه فشار اسرائیل روی کنگره و دولت بوش دلیل اصلی رفتن به جنگ عراق، و اینک رویارویی با ایران، بوده است.»^[۱۲] در یک نظر سنجی از نخبگان روابط بین‌المللی ایالات متحده در سال ۲۰۰۶، ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان با این گفته موافق بودند که «نفوذ گروه فشار اسرائیل بر سیاست خارجی ایالات متحده بیش از حد است.»^[۱۳] در حالی که مردم آمریکا عموماً با اسرائیل همدردی دارند، بسیاری از آنها از سیاست‌های بخصوص آن انتقاد می‌کنند و مایل‌اند اگر اقدامات اسرائیل برخلاف منافع آمریکا ارزیابی شود از کمک به آن مضایقه گردد.

البته اگر بحث آزاد در مورد این موضوعات وجود داشت مردم آمریکا بیش از این از نفوذ گروه فشار اسرائیل آگاه می‌شدند و نسبت به اسرائیل و روابط ویژه‌اش با آمریکا واقع‌بین‌تر می‌گشتند. با این همه، با توجه به نظرات مردم درباره اسرائیل و گروه فشارش، ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا سیاستمداران و سیاست‌گذاران تا این حد نسبت به انتقاد از اسرائیل و مشروط کردن اعطای کمک به همسو بودن اعمال آن با منافع آمریکا ابا دارند. مردم آمریکا مسلماً نمی‌خواهند سیاستمداران‌شان اسرائیل را تا ته خط حمایت کنند. در اصل، بین آنچه مردم عاری از تعصب در مورد اسرائیل و روابطش با ایالات متحده می‌اندیشند و نحوه‌ای که نخبگان حاکم بر سیاست آمریکا عمل می‌کنند، شکاف آشکاری وجود دارد. دلیل اصلی این شکاف آوازه‌پراهیته گروه فشار اسرائیل در حلقه‌کوته‌فکری واشنگتن است. گروه فشار اسرائیل نه تنها نفوذ فوق‌العاده‌ای بر دولت‌های دموکرات و جمهوریخواه

به طور یکسان اعمال می‌کند، بلکه قدرت نفوذش در کنگره از این هم بیشتر است.^{۱۴۱} مایکل مسینگ از قول یک کارمند کنگره که هواخواه اسرائیل است می‌گوید «ما می‌توانیم به خوبی روی اکثریت مجلس نمایندگان، ۲۵۰ تا ۳۰۰ عضو، حساب کنیم که به طور غیرارادی طبق خواسته‌های کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل AIPAC عمل می‌کنند. استیون روزن، از مقامات سابق AIPAC که به علت تحویل مدارک طبقه‌بندی شده دولتی به اسرائیل بر علیه‌اش اعلام جرم شده است، قدرت AIPAC را برای جفری گلدبرگ از نیویورکر به این نحو تشریح می‌کند که یک دستمال سفره را جلو او می‌گذارد و می‌گوید «ما می‌توانستیم، در بیست و چهار ساعت، امضای هفتاد سناتور را روی این دستمال سفره داشته باشیم.»^{۱۴۲} اینها لاف و گراف بیهوده نیستند. همانطور که روشن خواهد شد، هنگامی که مسایل مربوط به اسرائیل مورد توجه قرار گیرد، کنگره معمولاً با اکثریت قاطع و تقریباً در تمام موارد مواضع گروه فشار اسرائیل را تأیید می‌کند.

چرا صحبت درباره گروه فشار اسرائیل اینقدر دشوار است؟

چون در ایالات متحده به عنوان کشوری با دموکراسی چندگانه آزادی سخن و تشکیل جمعیت تضمین شده است، تشکیل گروه‌های ذینفع برای تسلط بر روند سیاسی غیرقابل اجتناب بود. برای ملتی از مهاجران، همچنین غیرقابل اجتناب بود که برخی از این گروه‌های ذینفع در راستای قومی متشکل شوند و بکوشند به طرق مختلف در سیاست خارجی آمریکا نفوذ کنند.^{۱۴۳} آمریکایی‌های کوبایی گروه فشار دارند تا تحریم رژیم کاسترو ادامه یابد. آمریکایی‌های ارمنی به واشنگتن فشار وارد می‌کنند تا نسل‌کشی سال ۱۹۱۵ را تصدیق کند، و بر اساس خواسته اخیر، روابطش با آذربایجان را محدود سازد، و آمریکایی‌های هندی برای حمایت از پیمان امنیتی اخیر و توافقنامه‌های همکاری هسته‌ای تظاهرات کرده‌اند. این نوع فعالیت‌ها ویژگی اصلی حیات سیاسی آمریکا از بدو تأسیس کشور تا به امروز بوده است، و خاطر نشان کردن آن ندرتاً بحث‌انگیز است.^{۱۴۴}

با این وجود برای آمریکایی‌ها صحبت رک و راست درباره گروه فشار اسرائیل سخت‌تر است. بخشی از دلیل آن به خود گروه فشار اسرائیل برمی‌گردد که می‌خواهد هم قدرت نفوذ و هم سرعت عملش را در مبارزه با هر کسی که مدعی شود نفوذ اسرائیل بیش از حد یا

احتمالاً مضر به حال منافع ایالات متحده است تبلیغ کند. با این وجود، دلایل دیگری نیز وجود دارد که چرا بحث صادقانه درباره تأثیر گروه فشار اسرائیل سخت تر است. در وهله نخست، تردید در اعمال و پیامدهای گروه فشار اسرائیل ممکن است برای بعضی چنین وانمود شود که این کار در حکم زیر سؤال بردن مشروعیت خود اسرائیل است. زیرا برخی از کشورها هنوز از به رسمیت شناختن اسرائیل امتناع می ورزند و برخی از منتقدان اسرائیل و گروههای فشار در مشروعیت آن تردید دارند. بسیاری از حامیان ممکن است حتی انتقادات خیرخواهانه را مبارزه‌ای تلویحی با بقای اسرائیل تعبیر کنند. با در نظر گرفتن احساسات تند بسیاری از مردم نسبت به اسرائیل، و بخصوص نقش مهم آن به عنوان بهشتی امن برای مهاجران یهودی، و به عنوان کانون اصلی هویت امروزی یهودیان مسلم است مردم هنگامی که مشروعیت یا بقایش را در معرض خطر می بینند واکنش خصمانه و دفاعی نشان دهند.

اما در حقیقت، واریسی سیاست‌های اسرائیل و مجاهدات حامیان آمریکایی آن دال بر گرایشی ضد اسرائیلی نیست، همانطور که واریسی فعالیت‌های سیاسی انجمن بازنشستگان آمریکایی AARP دال بر ضدیت با هموطنان مسن تر نمی باشد. ما با حق اسرائیل برای حیات یا مشروعیت کشور یهودی چالش نمی کنیم. کسانی هستند که اعتقاد دارند اسرائیل هرگز نباید به وجود می آمد یا کسانی می خواهند اسرائیل از کشوری یهودی به یک دموکراسی دو ملیتی تبدیل شود. ما این طور نیستیم. ما برعکس معتقدیم تاریخ قوم یهودی و اصل تعیین سرنوشت ملی توجیه کافی را برای کشور یهودیان فراهم می کند. ما فکر می کنیم اگر بقای اسرائیل به خطر افتد آمریکا باید در کمک به آن پابرجا بماند. و گرچه تمرکز عمده ما بر روی تأثیر منفی گروه فشار اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده است، ما افزون بر آن معتقدیم که این تأثیر برای اسرائیل نیز به همان میزان زیان بخش شده است. به اعتقاد ما این تأثیر در هر دو صورت مایه تأسف است.

از این گذشته، این ادعا که یک گروه ذینفع که غالب مقاماتش یهودی هستند دارای نفوذی قوی، بگذریم از جنبه منفی آن، در سیاست خارجی ایالات متحده باشد مسلماً برخی از آمریکایی ها را عمیقاً ناراحت - و شاید هراسان و خشمگین - می سازد، زیرا بی شباهت نیست به تهمتی برگرفته از منشور رسوای مشایخ صهیون، آن سند جعلی ضد صهیونیستی

مشهور که مدعی بود از توطئه یهودی پر قدرتی پرده برمی دارد که مخفیانه بر جهان چیره است.

هرگونه گفتگو درباره قدرت سیاسی یهودیان در سایه دو هزار سال تاریخ صورت می گیرد. بویژه قرون بسیار راستین ضدیهودی در اروپا. مسیحیان هزاران یهودی را در جنگ های صلیبی قتل عام کردند. آنها را دسته جمعی از بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و سایر کشورها در فاصله بین سالهای ۱۲۹۰ و ۱۴۹۷ اخراج، و در سایر مناطق اروپا در محله های یهودی نشین محبوس کردند. یهودی ها در طول دوره تفتیش عقاید در اسپانیا به سختی سرکوب شدند، در اروپای شرقی و روسیه در فرصت های فراوان گروه های عظیم یهودیان یکجا به قتل رسیدند، و تا این اواخر آشکال دیگر تعصبات ضدیهودی رایج بوده است. این پیشینه شرم آور در دوره نازی به اوج رسید. یهودیان در بخش هایی از جهان عرب، گرچه با شدتی بسیار کمتر، نیز سرکوب شده اند. [۱۸]

با در نظر گرفتن این سابقه مدید اذیت و آزار، یهودیان آمریکایی به نحو قابل فهمی نسبت به هرگونه مباحثه ای که به نظر رسد کسی آنها را به خاطر خطا رفتن سیاست هایشان ملامت می کند، حساس هستند. این حساسیت با خاطره تئوری شگفت توطئه از نوعی که در پروتکل ها طراحی شده بود تشدید شده است. هشدارهای هولناک «نفوذ پنهانی یهودیان» به صورت برجسی از طرف نئونازی ها و سایر افراطی ها، نظیر دیوید دوک رهبر تنفر آفرین سابق کوکلاکس کلان پابرجاست و دلواپسی های یهودیان را حتی بیشتر تقویت می کند.

به همین ترتیب، اگر کسی تذکر دهد که سنت یهودیان آمریکایی در بخشیدن پول به هر دو آرمان بشر دوستانه و سیاسی، غنای تاریخی دارد، از گفته او استنباط می شود که «پول یهودیان» از طریقی زیرزیرکی و مرموز نفوذ سیاسی می خرد. هر اهداکننده پول به مبارزات سیاسی، البته برای پیشبرد آرمانی سیاسی این کار را می کند، و عملاً تمام گروه های ذینفع به شکل دادن افکار عمومی امیدوارند و به دریافت پوشش مطلوب در رسانه های گروهی هم علاقمند هستند. ارزیابی نقش اعانات در مبارزه هر گروه ذینفع، تلاش ها برای اعمال نفوذ، و سایر فعالیت های سیاسی باید منصفانه به کار گرفته شود، لیکن با توجه به یهودستیزی گذشته، می توان درک کرد که چرا هنگامی که این نوع موضوعات مطرح می شود، بحث راجع به تأثیر گروه فشار دارو، اتحادیه های کارگری، سازندگان تسلیحات، گروه های آمریکانیان

بومی، و غیره، آسان‌تر است تا بحث راجع به تأثیر گروه فشار اسرائیل. اتهام دیرینه «وفاداری دوگانه» بحث گروه‌ها و افراد طرفدار اسرائیل را در ایالات متحده از این هم مشکل‌تر می‌سازد. بنابراین افسانه قدیمی، یهودیان آواره متحدان ابدی بودند که هرگز نمی‌توانستند جذب شوند و میهن پرستان مطلوب باشند. زیرا آنها بیشتر نسبت به یکدیگر وفادار هستند تا به کشوری که در آن زندگی می‌کنند. نگرانی امروز این است که یهودیان حامی اسرائیل به چشم آمریکاییان پیمان‌شکن نگریسته شوند. همان‌طور که هایمن بوک بایندر نماینده سابق واشنگتن در AJC، زمانی اظهار نظر کرد «یهودیان نسبت به این که حمایت‌شان از اسرائیل تا حدی فاقد حس وطن‌پرستی است، به‌طور فطری واکنش نشان می‌دهند.»^{۱۹۱}

اجازه دهید صریح باشیم: ما به‌طور قطع تمام این ادعاهای ضدیهودی را رد می‌کنیم. به نظر ما، دل‌بستگی قابل ملاحظه هر آمریکایی به کشوری خارجی کاملاً قانونی است. در حقیقت، آمریکاییان مجازند تابعیت دوگانه داشته باشند و در ارتش‌های خارجی خدمت کنند، البته، مگر آنکه کشور دیگر با آمریکا در جنگ باشد. همان‌طور که در بالا بیان شد، مثال‌های متعددی وجود دارد که گروه‌های قومی در آمریکا به شدت تلاش می‌کنند تا ایالات متحده، همین‌طور هموطنان‌شان، از کشوری حمایت کنند که نسبت به آن احساس پیوستگی قوی دارند. دولت‌های خارجی معمولاً از فعالیت گروه‌های ذینفع بر اساس وابستگی قومی آگاهی دارند و طبعاً در صدد برآمده‌اند برای نفوذ در دولت آمریکا و پیشبرد اهداف سیاست خارجی خودشان از آنها استفاده کنند. آمریکاییان یهودی از این نظر با هموطنان‌شان تفاوتی ندارند.^{۱۹۰}

گروه فشار اسرائیل یک گروه توطئه، تبانی یا چیزی از این نوع نیست؛ در امور سیاسی گروه ذینفع، متداول از قدیم، فعالیت دارد، که سرشت آن به اندازه «پای سیب» آمریکایی است. گروه‌های طرفدار اسرائیل در همان اقداماتی درگیر هستند که سایر گروه‌ها مثل انجمن ملی اسلحه NRA و انجمن بازنشستگان آمریکایی AARP، یا انجمن‌های حرفه‌ای نظیر مؤسسه آمریکایی نفت API در آن درگیرند. همه آنها می‌کوشند در قانون‌گذاری کنگره و اولویت‌های رئیس‌جمهوری نیز اعمال نفوذ کنند، و همه آنها، عمدتاً به صورت علنی کار می‌کنند. به جز چند استثنا، که در فصل‌های بعدی بحث خواهد شد، اقدامات گروه فشار

اسرائیل کاملاً آمریکایی و قانونی است.

ما اعتقاد نداریم که گروه فشار اسرائیل قدرتمند است، یا مؤسسات مهم را در ایالات متحده کنترل می‌کند. به طوری که در ضمن چند فصل بعدی خواهد آمد مواردی وجود دارند که گروه فشار اسرائیل حرفش را به کرسی ننشاند است. مع هذا، شواهد فراوانی وجود دارد که گروه فشار اسرائیل از نفوذ تأثیرگذاری برخوردار است. AIPAC، یکی از مهم‌ترین گروه‌های طرفدار اسرائیل، عادت داشت در پایگاه اطلاع‌رسانی‌اش به قدرت خود بنزد، نه تنها از طریق موفقیت‌های چشمگیری، بلکه با نمایش دادن نقل قول‌هایی از طرف سیاستمداران برجسته که توانایی آنها را برای اعمال نفوذ به نفع اسرائیل تصدیق کرده بودند. برای مثال، پایگاه اطلاع‌رسانی آن، اظهارات ریچارد گنارت رهبر سابق اقلیت مجلس نمایندگان در گردهمایی AIPAC را دربر داشت، «بدون حمایت پیوسته شما... و مبارزه روزمره شما برای حمایت [از روابط آمریکا-اسرائیل]، این روابط به وجود نمی‌آمد.»^[۱۱] حتی الن درشویتز پروفیسور حقوق صریح اللهجه دانشگاه هاروارد که در برجسب زدن یهودستیزی معمولاً درنگ نمی‌کند، در خاطراتش می‌نویسد که «هم‌نسلان یهودی من... بخشی از شاید مؤثرترین اعمال نفوذ و گردآوری اعانه در تاریخ دموکراسی شدند، ماکار واقعاً بزرگی انجام دادیم، تا آنجایی که به خود اجازه می‌دادیم، و اجازه داشتیم به پیش رفتیم.»^[۱۲]

ج. ج. گلدبرگ، سردبیر نشریه هفتگی فوروارده مشکل صحبت از گروه فشار اسرائیل را به خوبی ثبت می‌کند «این‌طور به نظر می‌آید که ما مجبوریم بین یهودیان صاحب کنترل گسترده و خطرناک، و عدم وجود نفوذ یهودیان یکی را انتخاب کنیم.» در واقع، او اظهار می‌کند «جایی در آن میانه، واقعیتی وجود دارد که هیچ‌کس نمی‌خواهد راجع به آن بحث کند، آن واقعیت این است که چیزی به نام جامعه یهودی وجود دارد متشکل از گروهی از سازمان‌ها و شخصیت‌های عمومی که بخشی از جنگ و دعوای سیاسی است. بازی کردن همانند دیگران عیب نیست.»^[۱۳] ما کاملاً موافقیم، ولی معتقدیم که منصفانه، و واقعاً لازم است پیامدهایی را که این «جنگ و دعوای» سیاسی گروه‌های ذینفع می‌تواند روی آمریکا و جهان داشته باشد، مورد بررسی قرار گیرند.

چطور ادعای خود را مطرح می‌سازیم

ما برای طرح ادعایمان باید سه وظیفه را انجام دهیم. به بیان دقیق‌تر، ما باید خوانندگان را قانع کنیم که ایالات متحده کمک و حمایت فوق‌العاده‌ای برای اسرائیل فراهم می‌سازد، گروه فشار اسرائیل مسبب اصلی این حمایت است، و این رابطه چشم‌پسته و بدون قید و شرط در جهت منافع ملی آمریکا نیست. برای انجام این کار ما به شرح زیر ادامه می‌دهیم.

فصل اول (حامی بزرگوار)، با شرح کمک اقتصادی و نظامی که آمریکا در اختیار اسرائیل می‌گذارد، و نیز حمایت سیاسی که واشنگتن در جنگ و در صلح از آن به عمل آورده است، مستقیماً به اولین موضوع می‌پردازیم. فصل‌های بعدی نیز عوامل مختلف سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را که کلاً یا بعضاً برای استفاده اسرائیل در مقابل رقبای مختلف‌اش طراحی شده شرح می‌دهد.

فصل دوم و سوم استدالات عمده‌ای را ارزیابی می‌کند که معمولاً برای توجیه یا تشریح رقم استثنائی کمک دریافتی اسرائیل از آمریکا به آنها استناد می‌شود. این ارزیابی انتقادی برای دلایل روش‌شناختی لازم است: به منظور ارزیابی شایسته تأثیر گروه فشار اسرائیل، ما مجبوریم سایر توضیحات احتمالی را که ممکن است توجیه‌کننده «روابط ویژه» موجود بین دو کشور باشد ارزیابی کنیم.

در فصل دوم (اسرائیل: امتیاز استراتژیک یا وبال گردن؟)، ما توجیه آشنایی را ارزیابی می‌کنیم که می‌گوید اسرائیل به دلیل امتیازش از نظر ارزش استراتژیک سزاوار حمایت بی‌مضایقه است. ما نشان می‌دهیم که گرچه ممکن است اسرائیل در طول جنگ سرد یک امتیاز بوده باشد، لیکن اکنون به‌طور فزاینده‌ای یک دردسر استراتژیک است. چنین پشتیبانی قوی از اسرائیل به دامن زدن مسئله تروریسم آمریکا کمک می‌کند و کار آمریکا را در پرداختن به سایر مسائل رو در رو در خاورمیانه مشکل‌تر می‌سازد. حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل روابط آمریکا را نیز با تعدادی از سایر کشورهای سرتاسر جهان پیچیده می‌کند، و از این طریق هزینه‌های اضافی بر ایالات متحده تحمیل می‌شود. با این همه، به رغم آنکه هزینه‌های پشتیبانی از اسرائیل بالا رفته و منافع حاصل از آن نقصان یافته، حمایت آمریکا همچنان در حال افزایش است. این وضعیت نشان می‌دهد که چیزی جز ضروریات

استراتژیک در کار است.

فصل سوم (دلایل اخلاقی رو به زوال) منطق‌های اخلاقی مختلف را ارزیابی می‌کند که اسرائیلی‌ها و حامیان آمریکایی‌شان غالباً برای توجیه حمایت آمریکا از کشور یهودیان به کار می‌برند. بویژه، ما به این ادعا می‌پردازیم که آمریکا از اسرائیل پشتیبانی می‌کند به خاطر اشتراک در «ارزش‌های دموکراتیک». زیرا اسرائیل در مقابل جالوت^۱، عرب قدرتمند، ضعیف و آسیب‌پذیر است، زیرا رفتار گذشته و حال‌اش از نظر اخلاقی بهتر از رفتار دشمنان‌اش می‌باشد، یا به این علت که اسرائیل همواره در صدد صلح بوده است و دشمنان‌اش خواهان جنگ. دلیل ضرورت این ارزیابی این نیست که ما نسبت به اسرائیل عناد داریم، یا اینکه معتقد باشیم نسبت به سایر کشورها رفتار بدتری داشته است، بلکه به این خاطر است که این ادعاهای در اصل اخلاقی، بکثرت به عنوان دلیل اعطای کمک به اسرائیل در این سطح استثنایی عنوان می‌شوند، ما نتیجه می‌گیریم در حالی که برای بقای اسرائیل دلیل اخلاقی مستحکمی وجود دارد، ولی همان دلیل برای حمایت عمدتاً بدون قید و شرط با این دست و دل بازی قانع‌کننده نیست. بار دیگر، این تقابلی منطق‌رو به افول اخلاقی و پشتیبانی دائم‌الزاید آمریکا نشان می‌دهد که باید چیز دیگری در کار باشد.

با مشخص کردن آنکه منافع استراتژیک و دلایل اخلاقی نمی‌توانند حمایت ایالات متحده را از اسرائیل تمام و کمال توجیه کنند، ما توجه‌مان را به «چیز دیگر» معطوف می‌کنیم. در فصل چهارم (گروه فشار اسرائیل چیست؟) اجزاء مختلف گروه فشار اسرائیل را شناسایی می‌کنیم و شرح می‌دهیم که این ائتلاف بدون انسجام چطور تکامل یافت. ما تأکید می‌کنیم که این گروه یک جنبش واحد یکپارچه نیست، که عوامل مختلف‌اش بعضی اوقات بر سر مسائل معینی اختلاف نظر دارند، و اینکه شامل یهودیان و غیریهودیان، از جمله به اصطلاح صهیونیست‌های مسیحی هم می‌شود. ما همچنین نشان می‌دهیم که چطور بعضی از مهم‌ترین سازمان‌های گروه فشار اسرائیل در طول زمان بتدریج به راست متمایل شده‌اند و به طور فزاینده‌ای نمایندگی جمعیتی را که ادعا دارند از طرف آنها سخن می‌گویند، از دست داده‌اند.

۱. جالوت در کتاب مقدس

این فصل همچنین بررسی می‌کند که گروه‌های عرب آمریکایی، به اصطلاح گروه فشار نفت، یا تولیدکنندگان ثروت‌مند نفت عرب، آیا عامل توازن برای گروه فشار اسرائیل یا حتی نیروی محرکه‌ای در پشت سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به حساب می‌آیند یا نه. برای مثال، بسیاری از مردم ظاهراً اعتقاد دارند که حمله به عراق بیشتر به خاطر نفت بود و منافع شرکت‌های نفتی محرک اصلی تصمیم آمریکا برای حمله به آن کشور بود. موضوع این نیست: هرچند دسترسی به نفت مسلماً مورد علاقه خاص آمریکاست، دلایل قابل قبولی وجود دارد که چرا آمریکائیان عرب‌تبار، شرکت‌های نفتی، و خانواده سلطنتی سعودی نسبت به گروه فشار اسرائیل از نفوذ بسیار کمتری بر روی سیاست خارجی آمریکا برخوردارند.

در فصل پنجم «هدایت روند سیاسی» و فصل ششم «سلطه بر گفتگوی مردم» استراتژی‌های مختلفی را که سازمان‌های گروه فشار اسرائیل برای پیشبرد منافع اسرائیل در آمریکا به کار می‌برند، تشریح خواهیم کرد. گروه فشار اسرائیل علاوه بر اعمال نفوذ در کنگره، از طریق قدرت هدایت جریان اعانات مبارزات انتخاباتی، سیاستمدارانی را تشویق یا تنبیه می‌کند. سازمان‌های گروه فشار اسرائیل همچنین از طریق تعدادی ساز و کارها، از جمله به کار گرفتن مقامات دولتی که نظرات‌شان هم‌دانه است، بر شاخه اجرایی فشار وارد می‌کنند. همچنین، گروه فشار اسرائیل برای کنترل بر مباحثات عمومی در مورد اسرائیل، از طریق اعمال فشار بر رسانه‌های گروهی و دانشگاهیان و از طریق حضور در مؤسسات متنفذ مشاوره در امور سیاست خارجی به هر شیوه‌ای متوسل می‌شود. تلاش برای شکل دادن به‌ینش مردم، متهم کردن منتقدان اسرائیل به یهودستیزی را نیز شامل می‌شود؛ شگردی که طراحی شده است تا هر معترض به روابط موجود را بی‌اعتبار و منزوی سازد.

با انجام این تکالیف، بخش دوم نقش گروه فشار اسرائیل را در کنترل سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا ردیابی می‌کند. بحث ما، باید تأکید کنیم، این نیست که گروه فشار اسرائیل تنها اعمال نفوذکننده در اتخاذ تصمیم روی این مسائل است. گروه فشار اسرائیل قادر مطلق نیست که بر هر مسئله‌ای انگشت بگذارد. لیکن در شکل دادن سیاست آمریکا نسبت به اسرائیل و منطقه حول و حوش به نحوی که منافع اسرائیل — و به اعتقادی منافع آمریکا — تأمین گردد بسیار کارآمد است. متأسفانه، سیاست‌هایی که گروه فشار اسرائیل با

موفقیت ترغیب کرده است در عمل زیان‌های زیادی به منافع آمریکا وارد ساخته و برای اسرائیل نیز زیانبار بوده‌اند.

به دنبال مقدمه‌ای برای فراهم کردن زمینه، فصل هفتم (گروه فشار اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها) نشان می‌دهد چگونه ایالات متحده همواره از تلاش اسرائیل برای سرکوب یا محدود کردن آرمان‌های ملی فلسطینی‌ها پشتیبانی کرده است. حتی هنگامی که رؤسای جمهور آمریکا، اسرائیل را برای امتیاز دادن تحت فشار گذاشته‌اند یا کوشیده‌اند آمریکا را از سیاست‌های اسرائیل دور کنند - که پریزیدنت جرج دبلیو. بوش از زمان یازدهم سپتامبر به بعد در چند فرصت چنین کرده است - گروه فشار اسرائیل مداخله می‌کند و آنها را به اطاعت وامی‌دارد. نتیجه، بدتر شدن وجهه ایالات متحده، درد و رنج مداوم هر دو طرف مرز اسرائیل - فلسطین بوده است.

در فصل هشتم (عراق و رؤیای دگرگون کردن خاور میانه)، ما نشان می‌دهیم که چگونه گروه فشار اسرائیل - و بویژه نو محافظه کاران داخل آن - در سال ۲۰۰۳ نیروی محرکه اصلی در پشت تصمیم دولت بوش برای حمله به عراق بودند. ما تأکید می‌کنیم که گروه فشار اسرائیل خود علت جنگ نبود. حملات یازدهم سپتامبر در سیاست خارجی دولت بوش و اتخاذ تصمیم برای سرنگونی صدام اثر عمیقی داشت. لیکن در غیاب نفوذ گروه فشار اسرائیل، تقریباً به طور مسلم جنگی اتفاق نمی‌افتاد. گروه فشار اسرائیل برای آغاز جنگی که برای ایالات متحده مصیبتی استراتژیک شده است شرطی بود لازم ولی نه کافی.

فصل نهم (هدف گرفتن سوریه) تحول رابطه دشوار آمریکا با رژیم اسد را در سوریه شرح می‌دهد. ما با مدرک ثابت می‌کنیم که چگونه گروه فشار اسرائیل، هر زمان که خواست دولت اسرائیل بود، واشنگتن را برای اتخاذ سیاست‌های خصمانه نسبت به سوریه (از جمله تهدیدهای گاه و بی‌گاه برای تغییر رژیم) تحت فشار گذاشته است. ایالات متحده و سوریه در صورت کمتر بودن قدرت نفوذ گروه فشار اسرائیل متحد نمی‌شدند، لیکن ایالات متحده رویکردی نه چندان خصمانه برمی‌گزید و احتمال داشت در تعدادی از جهات محدود ولی نافع با سوریه همکاری برقرار می‌کرد، در واقع، در غیاب گروه فشار اسرائیل، امکان داشت هم‌اکنون بین اسرائیل و سوریه پیمان صلحی وجود داشت، و امکان داشت هم‌اکنون دمشق از حزب‌الله حمایت نمی‌کرد، که برای هم واشنگتن و هم بیت‌المقدس سودمند می‌بود.

در فصل دهم (ایران در کانون سنجش)، ما نقش گروه فشار اسرائیل را در سیاست ایالات متحده نسبت به ایران ردیابی می‌کنیم. واشنگتن و تهران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۹ که شاه را سرنگون کرد روابط سختی داشته‌اند و اسرائیل با توجه به جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران و حمایتش از گروه‌هایی نظیر حزب‌الله، آن را به چشم جدی‌ترین دشمن نگریسته است. از این رو، اسرائیل و گروه فشارش بکرات آمریکا را به تعقیب ایران تشویق کرده‌اند و چندین فرصت قبلی را برای تنش‌زدایی از مسیر خارج ساخته‌اند.

لبنان موضوع فصل یازدهم می‌باشد («گروه فشار اسرائیل و جنگ دوم لبنان»)، و الگو بسیار شبیه است. ما استدلال می‌کنیم که واکنش اسرائیل به عمل تحریک‌آمیز و نابجای حزب‌الله از نظر استراتژیک احمقانه و از نظر اخلاقی اشتباه بود، با وجود این نفوذ گروه فشار اسرائیل انجام هر عملی جز حمایت مستمر از اسرائیل را برای مقامات آمریکا دشوار ساخت. این مورد باز هم تصویر کلاسیک دیگری است از نفوذ تأسّف‌آور گروه فشار اسرائیل بر منافع آمریکا و اسرائیل: با ایجاد مشکل برای سیاست‌گذاران آمریکا که عقب بنشینند و به هم‌تایان اسرائیلی خود صادقانه و منتقدانه توصیه کنند، گروه فشار اسرائیل سیاستی را تسهیل کرد که وجهه آمریکا را تیره‌تر ساخت، رژیم دموکراتیک و منتخب مردم را در بیروت تضعیف نمود، و حزب‌الله را تقویت کرد.

در فصل آخر (چه می‌شود کرد؟) بررسی می‌کنیم چگونه این وضعیت ناگوار می‌تواند بهبود یابد. ما با شناسایی منافع اصلی ایالات متحده در خاورمیانه شروع و پس از آن اصول مهم یک استراتژی – به نام موازنه برون‌مرزی – را ترسیم می‌کنیم که بتواند به طور مؤثرتر از این منافع دفاع کند. ما ایالات متحده را به ترک تعهد نسبت به اسرائیل دعوت نمی‌کنیم – در واقع، ما صراحتاً تأیید می‌کنیم که اگر روزی بقای اسرائیل مورد تهدید قرار گرفت آمریکا به کمک آن برود. لیکن ما استدلال می‌کنیم وقت آن رسیده است که رفتار با اسرائیل نظیر کشوری عادی باشد و کمک آمریکا را به پایان دادن اشغال و تمایل اسرائیل به سازگار کردن سیاست‌هایش با منافع آمریکا مشروط کنیم. انجام این تغییر مستلزم پرداختن به قدرت سیاسی گروه فشار اسرائیل و برنامه سیاسی امروزی آن است و ما برای نحوه جرح و تعدیل احتمالی قدرت گروه فشار اسرائیل به منظور شمربخش‌تر کردن نفوذش برای آمریکا و اسرائیل چند پیشنهاد ارائه می‌دهیم.

کسانی که از آنها آموختیم

هیچ نویسنده‌ای تک و تنها نیست. و ما به مقدار قابل ملاحظه‌ای مدیون سایر محققان و نویسندگانی هستیم که پیش از ما به این نوع موضوعات پرداختند. برای شروع، نوشته‌های دانشگاهی و سببی در مورد گروه‌های ذینفع وجود دارد که به ما کمک کرد درک کنیم چطور جنبش‌های کوچک ولی متمرکز می‌تواند از کل جمعیت نفوذ بسیار بیشتری داشته باشد.^[۲۴] نوشته‌های قاطعی نیز در مورد تأثیر گروه‌های قومی بر سیاست خارجی آمریکا وجود دارد که تأیید می‌کند گروه فشار اسرائیل در فعالیت‌های اصلی‌اش منحصر به فرد نیست، بلکه تنها در میزان غیرعادی نفوذش بی‌همتاست.^[۲۵]

دسته دومی از نوشته‌جات به خود گروه فشار اسرائیل می‌پردازد، تعدادی از روزنامه‌نگاران، محققان، و سیاستمداران پیشین در مورد گروه فشار اسرائیل مطلب نوشته‌اند. این کارها که هم جنبه انتقادی و هم جنبه همدردی دارند در مورد راهمایی که گروه فشار اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا اعمال نفوذ کرده است حاوی مقدار قابل ملاحظه‌ای اطلاعات مفید می‌باشند. ما امیدواریم این گزارش ادامه رِ پای باشد که نویسندگان پیشین فتح باب کرده‌اند.^[۲۶]

ما از سایر مطالعات پرشمار، که فهرست کردن آنها امکان ندارد و به جنبه‌های خاص سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، روابط آمریکا-اسرائیل، یا مسائل خاص سیاسی می‌پردازد نیز به مقدار زیادی آموخته‌ایم. گرچه بعضی از این کارها - نظیر منازعه دیگر عرب - اسرائیلی نوشته استیون اشپیگل - به کم‌اهمیت جلوه دادن نفوذ گروه فشار اسرائیل تمایل دارند، کارهای جدی تحقیقی از این قبیل، شواهدی قابل ملاحظه از تأثیر گروه فشار اسرائیل و بخصوص قدرت رو به رشد آن دربر دارند.^[۲۷]

دسته آخری از نوشته‌جات هستند که در باری به ما در فکر کردن راجع به اسرائیل، گروه فشار اسرائیل، و رابطه آمریکا با کشور یهودیان نقش مهمی ایفا کرده‌اند. اشاره ما به اصطلاحاً تاریخ جدید است که طی بیست سال گذشته از اسرائیل بیرون آمده است. محققان اسرائیلی، نظیر اشلومو - بن - امی، سیمها فلاپن، باروخ کیمرلینگ، بنی موريس، ایلان پایه، تام سگف، اوی اشلیم، و زیف اشترن‌هل با استفاده از آرشیو جامع تحقیقاتی، دانش قدیمی را در مورد

تأسیس اسرائیل و سیاست‌های بعدی آن نسبت به کشورهای همسایه و فلسطینی‌ها، به‌طور مؤثری زیر و رو کرده‌اند.^{۱۲۸} محققان سایر کشورها نیز در رفع ابهامات تاریخی یاری کرده‌اند.^{۱۲۹} این افراد در مجموع روایت اولیه و بسیار خیال‌بافی‌شده تأسیس را سست کرده‌اند که در آن یهودیان معمولاً به عنوان کلاه‌سفیدان و اعراب به عنوان کلاه‌سیاهان توصیف شده‌اند. اضافه بر آن، این کارها روشن می‌سازد که اسرائیل پس از به دست آوردن استقلال نسبت به فلسطینی‌ها و سایر اعراب بسیار ستیزه‌جویانه‌تر از تشخیص عمومی رفتار کرده است.

البته، جر و بحث‌های مختلفی بین این مورخان وجود دارد، و ما با همه نظرات آنها موافق نیستیم. مع‌هذا، داستانی که آنها مجموعاً بیان می‌کنند موضوع مورد علاقه تنها محققان دانشگاهی نیست. در حقیقت، در نحوه تفکر شخص راجع به منطق اخلاقی مربوط به حمایت از اسرائیل در مقابل فلسطینی‌ها تأثیر بسزایی دارد. و در ضمن به ما کمک می‌کند تا درک کنیم چرا تعدادی چنین زیاد در جهان عرب و اسلام نسبت به حمایت سخاوتمندانه و بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل عمیقاً خشمگین هستند.

یادداشتی درباره منابع

جا دارد قبل از ادامه مطلب، سخنی مختصر در مورد منابع گفته شود. قسمت اعظم این مطالعه — به ویژه بخش ۲ — به تاریخ روز، یا وقایعی که نتیجه نهایی آن مبهم می‌ماند، می‌پردازد. چون اسناد رسمی مربوط به وقایع معاصر معمولاً برای محققان دست‌نیافتنی هستند، ما مجبور بوده‌ایم به سایر منابع تکیه کنیم: روزنامه‌ها، مجلات، مقالات علمی، کتب، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر، رونوشت‌های رادیو و تلویزیون، و مصاحبه‌های شخصی که ما اجرا کرده‌ایم. در چندتایی از نمونه‌ها، ما مجبور بودیم با سوابق نه‌چندان دقیق وقایع کار کنیم. هرچند نامتحمّل، ولی هنگامی که سوابق رسمی قابل دسترسی گردد، ممکن است قسمت‌هایی از روایت ما خلاف واقعیت به نظر برسد.

به منظور کسب اطمینان از استدالات مختلف، ما در عمل صحت هر مطلب حائز اهمیت را با منابع چندگانه تضمین کردیم. ما همچنین به منابع اسرائیلی نظیر هاآرتز و اورشلیم‌پست، همین‌طور نوشته‌های محققان اسرائیلی به شدت متکی بوده‌ایم. دیگر منبع

اطلاعات اجتناب‌ناپذیر مان نشریات یهودیان آمریکایی نظیر فوروارد و جوئیش ویک بوده است. این منابع اسرائیلی و آمریکاییان یهودی نه تنها پر از اطلاعاتی هستند که در رسانه‌های گروهی عمده آمریکا یافت نمی‌شدند بلکه با استدلال‌ات ما در مورد گروه فشار اسرائیل هم‌دلی کامل نداشتند. تکیه ما بر آنها نتیجه‌گیری ما را باز هم معتبر تر می‌کند.

نتیجه

تحلیل ما با تشریح حمایت مادی و دیپلماتیک آمریکا از اسرائیل آغاز می‌شود. حقیقتی که آمریکا حمایت چشمگیری از کشور یهودیان به عمل می‌آورد بندرت سر خط اخبار قرار می‌گیرد، لیکن خوانندگان ممکن است از دانستن آنکه این گشاده‌دستی در عمل تا چه حد گسترده و متنوع است شگفت‌زده شوند. مستند کردن این حمایت موضوع فصل بعدی است.

توضیح ناشر

بدیهی است اشاره‌هایی که گاه‌گاه از طرف محافل صهیونیستی درباره ادعای هولوکاست و بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران و حمایت این کشور از گروه‌های افراطی یا تروریستی احیاناً در این کتاب دیده می‌شود صحت نداشته و مورد تأیید ناشر نیست.